

مجلس زنان به کهنه

یکی از دستاوردهای نظام طبقه ای جدیدان زنان از عرضه تولید اجتماعی و محدود ساختن آنان به

تولید غیر تولیدی است و اگر در دوره واپس ناپذیر فاشی به وجود آوردن شرایطی است که سرمایه داری

مندان پیوسته ای بی چون و چرا پذیرفته نشدنی گردد و به روشنی می آید که محققان ما در تاریخ

اجتماعی و سیاسی زنان محمول بر طبقه ای می باشد در تولید اجتماعی می باشد در معنی خاصه نظام

سختی در دستکاری ملی خود در شرایط تولید سرمایه داری ادبانه نیست، با زلفت شرط زنان

عرضه تولیدی مجانبه ارتش ذخیره کار را آنگونه که در خدمت تامین منافع فزاینده سرمایه داران

خاک گردد، مجاز می دارد در هنگام بروز بحرانهای سرمایه داری آنان را از عرضه تولیدی به کناری

بفرستد این زمینه حرکت اقتصادی و اجتماعی در روزهای تاریخ بیان می شود و به است که

به لحاظ فقهی آن ارتباط با جبهه فایز از سطحی و چهار چوب تنگ فاشی و هدرت آن می

باشد با فقه و با اوست تاریخی شخصیت اجتماعی خود را در کاندیدی سوسیالیستی کنترل یافته در

حاکمیت نظام سرمایه داری زنان در خدمت که به شرکت در تولید اجتماعی می آید

بند و ناگزیر از آن است که بر روی مفاصل می کشند در دوران حاکمیت رژیم و فاشی

بایزیم شده و علاوه بر استفاده از نیروی ارزان کار زنان در امر تولید و است

تک استماری در بین زنان باقیه بر مردم آگاهی سیاسی - اجتماعی آنان را

در بنده کاذب در آنان نسبت به صرف مصروفات ابراهیمی

تولید می آید تیره هدرت می پذیرد

زنان زخمی و سبزه بین مادر و فرزند از روی شکر و عجبند و همانند دهندهای با بران
 در سبزه علیه حکم دست سرهای را یکی و البته در وقت آب شکر آن بپاورد که نه در آن آب که با
 پودر نمک به سبزه انتهای مضمین آید پس از فصل زدن در وقتی آفتاب می خورند
 چرا که در وقت آن بتاری صورت آن در خانه کارخانه که هر چه در بازار گدازد می خورند و در وقت
 فای تا آنجا به عهد آنان به و در کارخانه درگاه و در وقت آنکه سرهای را این به
 آشپزی سنت برهنه به بیاری کشیده میدهند چون سرهای را اینی که صورت آنانی و
 آفتاب می آید را به هیچ آن نشسته و با وضع توانین به زبان آنک از نمبرهای اشارت
 استغای بستر می نمیدند و اگر چشم انداز در آن کشیده و زنان را به عرض بیچار
 در باره می باوریم و در وقت توری و البته به اسپر و لیزم است که نه در آن وقت در محله های مراجهت
 هیات حکما به برتری افق است آفتابی زنان بهین ما خورد و به وضع آن دار
 تا زنان این در پیش " حرمت به زنان در دوران " سران دارند که با کف و تار در آن زنان
 زناست آن تولد می داند پس به بچانه ای افسردی را بر وقت کشین نمیدند و در این عمل
 از ضای گزاف است نسبت پستان خود را بپایند

زناست حکایت صبر در بر خورد به زنان مسکون از گرفتاریات و توجیهات شده در به حدت
 بر این آن می باشد از سلب حق طلاق و سه اول و حق صیغه زناست قطع
 از سنت دیگر باره نمیدانیم به چه روز و وقت را چنان به قادی موهن که نه تنها تا کف شرفست
 یعنی است و بجه در باره بیدار لیمه های تا غیر زن در در خانه را به تقسیم به قطعات
 به هر کس که می خورند به توانی دیگری بر خورد می کشند که همه در وقت تشریح خوردند

رجعت دارن زنان به چهار روزی فتنه محل می کنند ^{ببینند} که کجایک ها ، ایچ دزینیه

فکر می تونه بر این مکتب شرکت زنان در حق اقباعی ^{ببینند} و به دنبال آن سلب حق

استقلال و افواج بیاری از زنان تحت عنوان "ما زاد بر اکتیاج" در این راه

تدوین به دست دزهائی از قبیل حجاب اجباری در محیط های کار ^و یعنی تحمیل شرایط

انتخاب بین در حق و در کراتیک به زنان ، که با حق استقلال را به مقدر حق انتخاب

پیشتر پذیرا شده و باید بچشم ^{ببینند} جمله همه های ستم و نژادانی از سر کوب حقوق

در کراتیک زنان به پیشینه کارون ^{ببینند} نماز و ادب است . و اما سخنی از آموزش و

پرورش و سواد زنان . که در سینه و طبع همه و اساسی زنان پرورش و تربیت فرزندان

است . اما با این همه ^{ببینند} زنانی که از یادگیری در اجتماع ، در مدرسه و آموزشگاه و در محیط های

مدرسه ای لغت ، قادر به تربیت ^{ببینند} فرزندانشان آگاه می باشند . گویند آنچه پیش شرط انتقال

فاهی ، داشتن آلت دگرگون ^{ببینند} آنگاه وقتی شرایط آگاهی یافت بر عهد نیست ، شکل گیری

تر به هم محدود چه و چه که در آن نیز ^{ببینند} سیریم ، مغز می رسد . زنی که محرم از

حکمت و عرف لیبی و تربیتی و اجتماعی ، تنها به وظایف خاصی بسنده کند ، چگونه می تواند

ب محقق از ^{ببینند} سبب اقباعی بین آن ها یافته و اگر با ^{ببینند} فرزند منتقل کند . چنین زنی

به ^{ببینند} منزلت ان می آید و اقباعی که تنها به عنوان ^{ببینند} سواد فرزندی می تواند عمل کند

در ^{ببینند} شکل ^{دادن} کلون به ذهنیت ^{ببینند} فرزند نیز ^{ببینند} سیریم ^{ببینند} نرسد ^{ببینند} زنی را محله نمی تواند بهره دار شود .

با ^{ببینند} دفع ^{ببینند} توان ^{ببینند} جدید ^{ببینند} سن ^{ببینند} از ^{ببینند} دواج ^{ببینند} برای ^{ببینند} افترا ^{ببینند} به ^{ببینند} سزود ^{ببینند} ساهی ^{ببینند} تقصیر ^{ببینند} یافته ^{ببینند} است ^{ببینند} دانی ^{ببینند} در ^{ببینند} عمل ^{ببینند} به ^{ببینند} حاکم

حکمت است ^{ببینند} وی ^{ببینند} خا ^{ببینند} فراده ^{ببینند} آن ^{ببینند} ز ^{ببینند} حقیقت ^{ببینند} سو ^{ببینند} حیات ^{ببینند} آن ^{ببینند} از ^{ببینند} فر ^{ببینند} ای ^{ببینند} هم ^{ببینند} می ^{ببینند} آ ^{ببینند} در ^{ببینند} که ^{ببینند} در ^{ببینند} جوان ^{ببینند} مین ^{ببینند} مادر

سنی که با در آرزو نگاه به زامری منزل باشند و راهی خانه شوهر شوند و از آنجا که قانون کل آن
 بی محنت از ثبت نام شد هر دو در مدارس نیز تصدیق بجهت رسیدن است و به روشنی می آید
 رسیدن از زنان زحمتش و محرم مانده است هرگز آنان آرزوش محرم نشدند در شرایط
 سردی امکانات آموختن و تفهیم آموختن عزیزان برای آنکه سلب حق استعدادهای از زنان
 نسبتاً محنت از استعدادهای آنان و نیز سلب حق خلاقیت و همچنین ستودن و عظمت
 عبد و از زبانی که در گذشته بودم آموختن به نفع و راه برای آنان پیش بینی نمود (از آنجا که آموختن
 در این رشته با زبان دسترس رسانی نرفته است) به روشی که نظاره گر این واقعیت است و در راه
 سیم که حالتی بدیهی جدید و به ازاد از این روش در رسیدن آموختن روی آوردن زنان به
 و به بارنده علیه علم و به مبارزه علیه سبطل یعنی مبارزه علیه فزاینده است که است
 ریت یکی جدیدی که در امر آموختن و پرورش وجود آورده است. تحقیق در قرآن در رشته های
 رشتی غیر چنان است. در حالتی که به علت سوابق عقب مانده زنان در گذشته های
 بیگانه و تبار از زنان به تحقیق در رشته های علمی همراه کمتر از مردان است. خروج از
 دوران و در مدارس و دفترانه نیمی از بجز سبطل با بهره ای از مدارس در رشته های علمی
 قرآن حاصل نخواهد بود. به اینمانه در شرایطی که در گذشته در رشته های همین ما
 بدو معلم از شدت است که آموختن و پرورش است. هر دو در رشته های
 آموختن و پرورش در مدارس و دفترانه عملاً به سبطل از میان بردن امکان
 برای دختران محرم رشته های علمی می باشد. اگر تمام های محرم به نفع
 است ظلم در آنها نظام سر به زاری داشته. البته این امری حقیقتی خورشید را بر آورده
 هیچ دست اندازی به امکانات ناچیز موجودین را نیز نظاره گر باشد و همچنین

می توانند در این توهم باقی بمانند که خبر آنکه در دست می آید ، هیچ چیز دیگری بر آن نکرده است
 هر چه بیشتر حقوق و درک استیک زنان مورد توجه است حکمت قرار میدهند ، طبیعی است که
 بر زمین هم اگر تا به این زنان نگاه کردیم به سمت همه مزدوران حقوقی عامین اینها نیز
 نظیر بختی در دست می آید

اما در این زنان به عنوان از زنان درک استیک و فضا هم به استیک زنان فداکار علیه قدرتی
 درک استیک زنان و با این فضا است که حقوق زنان در زمین استیک است ، آنرا نیز
 دست تا فریب که در دست است که در زمین استیک است که در زمین استیک است که در زمین استیک است

اتحاد ملی زنان

اتحاد ملی زنان

